

تأثیر اجرای قوانین شهری و حقوق شهروندی در مسیر توسعه شهری پایدار؛ با تأکید بر عملکرد مدیریت شهری

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۵/۲۲

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۱۳

کد مقاله: ۶۱۱۲۴

هاله منصوری منصور آباد^۱

چکیده

شهرها به‌عنوان مجموعه‌ای مدرن از زندگی جوامع انسانی می‌باشند که ساکنان آن به‌عنوان شهروندان این مجموعه می‌بایست ضمن زندگی و بقاء فردی در آن همزیستی و تعامل دوجانبه‌ای را با سایر شهروندان در جهت حفظ ثبات، پایداری و رشد کیفیت زندگی در شهر که از آن به توسعه شهری پایدار تعبیر می‌گردد رفتار نمایند. این تعامل و همزیستی مستلزم رعایت و اجرای دستورالعمل و قوانین ویژه‌ای می‌باشند که از آن به حقوق شهری و حقوق شهروندی تعبیر می‌گردد. تحقیق حاضر به اهمیت و لازم‌الاجرا بودن این قوانین و حقوق در زندگی عمومی شهر جهت رسیدن به کارکرد مطلوب و توسعه پایدار شهری و نقشی که مدیریت شهری به‌عنوان یکی از ارکان مهم اجرایی شهر دارد و زمینه‌های اجرای هرچه بهتر و بیشتر اجراء و حاکمیت قوانین و مقررات موصوف را داشته باشد پرداخته است. روش تحقیق پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری داده‌های مورد نیاز با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و بررسی و مطالعه مقالات، پایان‌نامه‌ها و برخی سایت‌های معتبر است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: شهروندی، حقوق شهروندی، مدیریت شهری، توسعه شهری پایدار

۱- مقدمه

نظام مدیریت شهری با هدف اداره مطلوب امور شهر، سعی دارد؛ روابط میان عناصر شهری را هماهنگ سازد؛ به دلیل گستردگی و میان‌رشته‌ای بودن سیستم مدیریت شهری به‌مثابه یک سیستم باز، عوامل مختلفی در آن دخالت دارد و بدون شناخت این سیستم نمی‌توان عناصر و روابط را در جهت اهداف آن تغییر شکل داد، زیرا هنر برنامه‌ریزی، شناخت عناصر سیستم و ایجاد روابط بین آن عناصر است، به‌نحوی که این مجموعه عناصر در جهت هدف سیستم عمل کنند. بی‌توجهی به اجزاء و همچنین عدم کشف روابط و میزان تأثیر هریک از عناصر در نظام تصمیم‌گیری هرگز به یک نظام تصمیم‌گیری منسجم، مؤثر و معطوف به اهداف مطلوب منجر نخواهد شد. (زاهدی فر، ۱۳۷۳)

منظور از مدیریت شهری نظامی است متشکل از متولیان اداره امور شهر که در رأس آن‌ها شهرداری قرار دارد که فعالیت‌های شهر را سازمان می‌دهد و به‌منظور انجام بهینه وظایف بر آن‌ها نظارت دارد. امروزه مدیریت شهری در جهان تحول اساسی یافته است. شهرها مدیریت می‌شوند تا بتوانند رفاه و آسایش ساکنان خود را تأمین کنند. مدیریت شهری دارای تشکیلات وسیعی است و نقش مهمی در موفقیت برنامه‌ها و طرح‌های توسعه شهری و همچنین رفع نیاز جمعیت، عبور و مرور در شهر، رفاه عمومی، مسکن، کاربری زمین، تفریح، فرهنگ، اقتصاد، تاسیسات زیر بنایی و امثال آن‌ها بر عهده دارد (تقوایی، صفرآبادی، ۱۳۹۰). در میان سازمان‌های مختلف مدیریت شهری، شهرداری یکی از دستگاه‌هایی است که ارتباط مداوم و تنگاتنگی با عموم مردم دارد، لذا توسعه همه جانبه و پایدار شهر زمانی عملی خواهد شد که شهروندان از عملکرد شهرداری رضایت داشته باشند. هر شهروند از آغاز تولد تا پایان زندگی نیازمند خدمات این نهاد غیر دولتی است. وظایف نظیر: سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای توسعه شهری، امور فنی و اجرایی و عمران شهری، وظایف خدماتی، وظایف اجتماعی و فرهنگی و... همگی از جمله مواردی هستند که بر عهده شهرداری‌ها و مدیریت شهری می‌باشد. (حبیبی و کسالایی و همکاران، ۱۳۹۷) در اجرای وظایف بسیار گسترده محوله به شهرداری‌ها و مدیریت روزآمد آن‌ها نگرش مبتنی بر لزوم شفافیت، پاسخگویی، اطلاع‌رسانی و عدالت، مورد تأکید می‌باشد.

۲- روش تحقیق

روش تحقیقی که در این پژوهش به کار گرفته شده است از نوع توصیفی-تحلیلی می‌باشد. روش گردآوری داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و بررسی و مطالعه مقالات، پایان‌نامه‌ها و برخی سایت‌های معتبر در ارتباط با توسعه شهری و توسعه شهری پایدار، مبتنی بر عواملی چون مدیریت شهری، حقوق شهروندی و سایر مولفه‌های دخیل بر این موضوع و از طریق مطالعه و فیش برداری و اخذ مستندات و تدوین که اطلاعات جامع آن‌ها به تفصیل در بخش منابع و ماخذ نگاشته شده صورت پذیرفته است.

۳- پیشینه تحقیق

نجاتی و حسینی (۱۳۸۰) در پژوهشی با عنوان «جامعه مدرن، شهروندی و مشارکت» رابطه و نسبت جامعه مدرن (جامعه مدنی، جامعه سیاسی و جامعه شهری)، شهروندی (حقوق، وظایف، تکالیف، مسئولیت‌ها) و مشارکت (اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی) را بررسی کرده است.

یسری، صالحی امیری و نوابخش (۱۳۹۸) در مقاله؛ تبیین شاخص‌های کیفی توسعه فرهنگی در کلانشهر تهران از منظر نخبگان، شاخص‌های کیفی توسعه شهر تهران و همچنین موانع، راهکارها و کاربست‌پذیری آن‌ها مورد بررسی قرار داده و یافته‌های حاصل از این پژوهش بطور خلاصه نشان داد مدیریت توسعه فرهنگی کلانشهر تهران مستلزم مؤلفه‌هایی چون تبادلات فرهنگی، همسوسازی فعالیت‌های سازمان‌ها و نهادهای فرهنگی، آموزش‌های فرهنگی، افزایش مشارکت و اعتماد اجتماعی میان شهروندان، رفع موانع مدیریتی و حقوقی است.

نوری (۱۳۹۶) در پایان‌نامه برای دریافت کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشکین شهر به موضوع صیانت از حقوق شهروندی از دیدگاه فقهی و حقوقی و تأثیر آن در گرایش به نظم اجتماعی در مشکین شهر، شهروندان را به‌عنوان اعضای یک جامعه با مشارکت در حوزه‌های مختلف، در برابر مسئولیت‌هایی که برای اداره بهتر جامعه و ایجاد نظم بر عهده می‌گیرند و شناخت این حقوق و تکالیف در ارتقای حقوق شهروندی و ایجاد جامعه‌ای بر اساس نظم و عدالت حقوقی و تکالیفی دارند. هدف این تحقیق، بررسی صیانت از حقوق شهروندی از دیدگاه فقهی و حقوقی و تأثیر آن در گرایش به نظم اجتماعی می‌باشد.

۴- مفاهیم نظری

۴-۱- شهر

شهر به مثابه بخشی از سلسله مراتب سیستم قضایی و تقسیمات سیاسی-جغرافیایی هر کشور براساس شاخصه‌های مختلفی مانند: نوع حکومت، مدیریت، سطح آگاهی، علاقه مندی اجتماعی و مشارکت مردم در نظام تصمیم‌گیری و... شکل می‌گیرد. از نظر تعریف شهر و مکان شهری، تفاوت زیادی بین کشورها وجود دارد. در حال حاضر، تعاریف مختلفی از مکان شهری شده است که هیچ کدام به تنهایی رضایت بخش نیست. گاهی اوقات، شهر بر اساس فرهنگ شهری (تعریف فرهنگی)، گاهی بر اساس کارکرد اداری (تعریف سیاسی-اداری)، گاهی بر اساس افراد شاغل در بخش غیر کشاورزی (شاخص اقتصادی) و گاهی بر اساس تعداد جمعیت (شاخص جمعیت شناختی) تعریف می‌شود. (شارع پور، ۱۳۹۱) شهر در حیات مدنی از سه رکن اصلی شهروند، کالبد شهر و مدیریت شهری تشکیل می‌شود. شهروند و مدیریت شهری ماهیتی فاعلی دارند و کالبد شهر ماهیتی انفعالی، انسان بنا به مدنی الطبع بودن میل به شهروندی دارد و نیازمند حیات مدنی است و مدیریت شهری مکلف به سازماندهی و مدیریت کالبد شهر است. در شهر شهروندمدار، برای بهبود و توانمند سازی مدیریت امور شهری ضرورت مشارکت، همه بهره‌وران شامل دولت (شهرداری ها)، بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی، مردم و شهروندان ایجاب می‌کند. شهروندان بایستی به نوبه خود برای بهبود شهر قدم‌های مؤثری بردارند؛ بنابراین لازمه رفع ناپایداری در شهرها، رفع ناپایداری از بدنه نهادهای مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری و کارآمدسازی، اثر پذیری و مسئولیت‌پذیری بیشتر در اداره امور شهر و تفویض وظایف، صلاحیت ها و قدرت به محلات و مردم، حاکمیت قانون، عدالت قضایی دردسترسی به امکانات و تسهیلات، پاسخگویی، شفافیت، بهبود زیرساخت های شهری، شهروند سازی، افزایش ظرفیت و توانمند سازی بخش خصوصی و سازمان های غیر دولتی می باشد. همچنین شهروندان می‌بایست در این شهر ضمن احترام به شهروندان دیگر، قانون پذیر بوده و مشارکت جو در امور شهر باشند و بر امور مدیران شهری نظارت داشته باشند حسن همکاری با شهرداری و مسئولین شهری، حل مشکلات شهری از طریق همکاری و مشارکت نهادهای غیردولتی از شرایط لازم جهت تحقق آن می باشد. (نظریان، شوهانی، ۱۳۹۰)

۴-۲- شهروندی

مفهوم شهروندی از جمله مفاهیم مورد توجهی مفاهیمی است که از دل تجدد و فرهنگ انسان اجتماعی برخاسته است و یک سیرتکاملی دارد. البته شهروندی در زمره این واژه در کشورها و دوره های تاریخی مختلف معانی متفاوتی داشته است. تفاوت فرهنگی جوامع باعث می شود تا شهروندانی با ویژگیهای خاص خود پرورش یابند که دارای حقوق و وظایفی متناسب آن جامعه خواهند داشت. اینجاست که موضوع شهروندی و حقوق شهروندی مطرح میشود. البته وجود رسانه های جمعی و گسترش تکنولوژی ها و فن آوری ها در پی بردن واگه شدن شهروندان از حقوق متفاوت فرهنگی شان تأثیرگذار است. (محمدی، ۱۳۹۸)

در ایده شهروندی حق همه افراد برای برخورداری از حقوق قانونی به رسمیت شناخته شده و مسئولیت هایی که آن ها باید آن را به جهت برخورداری از یک زندگی مناسب تر بر عهده گیرند مشخص می شود. باید دانست که تنها استقرار فیزیکی در شهر، معادل واژه شهروند نیست. شهروند باید در نقش های مشارکتی مدیریت بهینه شهر ایفاگر مسئولیت باشد چرا که شهروندی بستر اجتماعی مناسبی را برای فعالیت های فرد مهیا می کند تا او بتواند همه چیز را در خدمت پیشرفت خود به سوی تعالی، به دست گیرد. میان شهروندی و شهرنشینی تفاوت زیادی وجود دارد. شهرنشینی کسی است که به لحاظ جغرافیایی در یک قلمرو جغرافیایی به نام شهر ساکن است؛ اما شهروند دارای فرهنگ شهرنشینی می باشد. (نظریان، شوهانی، ۱۳۹۰)

شهروندی موقعیتی است که حقوق و تکالیف افراد جامعه را مشخص می کند و آگاهی از آن برای شهروندان و اداره کنندگان جامعه دارای اهمیت است. برای تحلیل این پدیده اجتماعی باید به ابعاد حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی- اقتصادی توجه نمود. انتظار می رود در شهرهای بزرگ شهروندان از حقوق شان آگاه بوده و در مقابل به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و ضمن حفظ فرهنگ مشترک شان، بتوانند آن قسمت از فرهنگ شان که با دیگران متفاوت است را حفظ نموده و در شکوفایی آن سهمی باشند. هرچند ممکن است افرادی که با آن ها در تعامل هستند از بسیاری لحاظ، خصوصاً از لحاظ فرهنگی (زبان، قومیت، نژاد و...) متفاوت باشند. همچنین انتظار می رود ضمن آگاهی از حقوق خود و دیگران به تکالیفی که در جامعه دارند متعهد بوده و به مشارکت در جامعه تمایل داشته باشند. شهروندی در یک جامعه و تمایل شهروندان به اجرای آن و احترام به حقوق شهروندی می تواند بر نوع روابط و تعامل بین افراد جامعه تأثیرگذار باشد و آن ها را موظف نماید تا به حقوق یکدیگر احترام بگذارند و تفاوت های موجود را بپذیرند. (محمدی، ۱۳۹۸)

همراه با رشد شهرنشینی و ضرورت وجود امکانات، درخواست ها و نیازها موجب تغییر نقش ساکنان شهر به شهروند و مطالعات شهری نیز به موضوعی محوری بدل گردیده است. این ضرورت، گویای تازه ترین زمینه مشارکت، یعنی مشارکت شهروندان در اداره امور شهری است. مشارکت شهری شهروندان را می توان به معنای حضور جدی و شرکت فعال، آگاهانه، ارادی،

مؤثر و سازمان یافته عناصر جامعه شهری (افراد، خانواده‌ها، گروه‌ها، نهادها و بخش‌های دولتی، عمومی و خصوصاً) در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی زندگی شهری برای دستیابی به اهداف جمعی دانست. بدیهی است، این فرآیند علاوه بر دستیابی به اهداف جمعی سبب افزایش عزت نفس، تعامل اجتماعی، کسب تجربه و مهارت‌های مشارکت‌کنندگان نیز خواهد شد. بایستی توجه داشت در راستای تبدیل افراد به شهروندان مشارکت‌جو مقتضیات هر جامعه بسیار مهم بوده که سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌الگوها باید متناسب با آن صورت گیرد. (موسایی، شیانی، ۱۳۹۰)

۳-۴- حقوق شهری و حقوق شهروندی

سکنی‌گزیدن در جامعه‌ای که متشکل از ملیت‌ها و قومیت‌های مختلف است با چالش‌هایی روبروست. این مهم در حالی است که بشر به‌منظور برخورداری از حق حیات و رفاه اجتماعی همواره درصدد یافتن راه‌ها و روش‌هایی است که او را در این راستا یاری کند. حقوق شهروندی از جمله حقوقی است که به‌منظور تضمین این مهم وضع گردیده و به تبع آن برخورداری شهروندان از امکانات برابر و مساوی تضمین می‌شود. (خواجه نوری، ۱۳۹۲)

از منظر یک حقوق‌دان تعریف حقوق شهری عبارت است از: شاخه‌ای از حقوق عمومی و تنظیم‌کننده روابط شهروندان و مدیران شهری است. در تعریفی خاص‌تر، شاید اصطلاح مزبور را به مجموعه قوانین و مقرراتی اطلاق کنند که روابط شهروندان با ادارات شهر و نهادهای ذی‌مدخل در امر محلی و شهری را تنظیم نموده و حقوق و تکالیف ناظر بر شوراها، شهرداری‌ها و سایر ادارات شهری را تبیین می‌کند. (لطفی، عدالتخواه و دیگران، ۱۳۸۸) حقوق شهروندی آمیخته است از وظایف و مسئولیت‌های شهروندان در قبال یکدیگر، شهر و دولت یا قوای حاکم و مملکت و همچنین حقوق و امتیازاتی که وظیفه آن حقوق بر عهده مدیران شهری (شهرداری)، دولت یا به‌طور کلی قوای حاکم می‌باشد. به مجموعه این، حقوق و مسئولیت‌ها حقوق شهروندی گویند. مارشال حقوق شهروندی را در سه بعد تجزیه کرده است: ۱- بعد مدنی که شامل آزادی‌های فردی، آزادی مذهب، بیان، اندیشه و غیره می‌شود؛ ۲- بعد سیاسی که دربرگیرنده حق مشارکت شهروندان در اعمال قدرت سیاسی) چه در نقش دارنده قدرت سیاسی و چه در نقش رأی‌دهنده یا تعیین‌کننده کسی که دارای قدرت سیاسی خواهد بود می‌باشد و ۳- بعد اجتماعی که دامنه گسترده‌ای از حقوق حداقلی از رفاه اجتماعی و تأمین اجتماعی برای شهروندان تا حق سهیم شدن در میراث اجتماعی و غیره را دارد. (زارعی، تقی‌پور، ۱۳۹۶)

"شهروند"، کسی است که در برابر حکمروایان شهری، هم "حق" دارد و هم "تکلیف"؛ یعنی هم باید "وظایفی" را در مقابل آن‌ها انجام دهد و هم باید از آن‌ها "انتظاراتی" داشته باشد. مدیران شهری می‌توانند با جلب مشارکت مردم بر توانایی‌های مدیریت شهری بیفزایند؛ بنابراین در بحث مدیریت شهری می‌توان به نقش مسئولین شهری، در کشاندن شهروندان به سوی کنش‌های مشارکتی اشاره نمود. حقوق شهروندی مجموعه‌ای از وظایف و حقوقی است که در یک ارتباط متقابل شکل می‌گیرد. (جعفری، عطیه، ۱۳۹۵) در جامعه‌شناسی شهری هم مشارکت وسیله‌تبدیل شهروندان بی‌تفاوت به شهروندان صاحب حقوق و مسئولیت‌های فردی و اجتماعی است. حقی که منعکس‌کننده نقش فردی اعضای یک جامعه نسبت به یکدیگر است و با اجتماعی شدن انسان، مسئولیت او را افزایش داده و منجر به تعیین حد و حدود قانونی برای دستیابی به آن گردیده است. به دیگر بیان، مشارکت فرایندی است که؛ توسط آن مردم بر ساختارها، سازمان‌ها و مسئولان تأثیر می‌گذارند تا خدمات شهری مناسب در اختیارشان نهاده شود. بنابر این، مشارکت باعث افزایش ظرفیت مردم در اداره امور محلی بوده و به نوعی با توانمندسازی مرده همراه است (موسایی، شیانی، ۱۳۹۰). حقوق شهروندی را می‌توان به نوعی تعهد اجتماعی متمم یافته دانست. تعهد اجتماعی به نوعی «هم‌ذات‌پنداری» با جمع است که به معنای پذیرش انگیزش عضویت در نظام‌های جمعی است و این امر از منظر کارکردی که برای نظام جمعی دارد، معادل همبستگی است (یوسفی و دیگران، ۱۳۹۱).

۴-۴- مدیریت شهری

مدیریت شهری به‌عنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر به سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و اقداماتی مربوط می‌شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با میزان دسترسی به زیرساخت‌های اساسی زندگی شهری خصوصاً مسکن و اشتغال می‌باشد. در چارچوب این تعریف کارایی مدیریت شهری وابستگی مشخص و مستقیمی به عوامل زمینه‌ای از قبیل ثبات سیاسی، وحدت و یکپارچگی اجتماعی، رونق اقتصادی و انسجام و پویایی فرهنگی و برخی عوامل دیگر نظیر توان و مهارت، انگیزه و دانش سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و نیز افراد استفاده‌کننده از این سیاست‌ها و برنامه‌ها دارد. مدیریت شهری، فرایندی از مسئولیت‌ها و اقدامات مرتبط شامل سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، سازماندهی، اجرا، نظارت و کنترل است که برای نیل به اهداف عملیاتی خاص در سطح جوامع شهری تنظیم شده است.

شکل گیری این فرآیند و تحقق اهداف عملیاتی آن نیازمند یک ساختار متناسب و کارآمد برای اعمال مدیریت است. در این ارتباط، مدیریت شهری باید دیدگاه جامع نگرتری درباره اجزا و عناصر سیستم شهری اختیار کند و رویکردی جامع و کل نگر به فرآیند ساخت شهر داشته باشد رویکرد کل نگر نیازمند هدایتی قوی است تا هماهنگی و همسویی لازم در فرآیند مدیریت شهری حاصل گردد. (سالاری سردری، کیانی، ۱۳۹۶) مدیریت شهری، در درجه اول ارتباط تنگاتنگی با جامعه شهری در سطح خرد، شکل گیری و شکل دادن به جامعه مدنی محلی و شهری، شهروندسازی محلی، ارتقای شهروند مداری شهری، تثبیت حقوق و وظایف شهروندی، تقویت مشارکت شهروندی و عدم توجه به خواست و نظر شهروندان در اداره امور محلی و شهری دارد.

مهمترین وظیفه مدیریت شهری که با هدف تقویت و بهبود اجتماع محلی کارآمد و مؤثر باید انجام گیرد، شهروند سازی است. شهروند سازی یعنی فراهم نمودن امکانات، تسهیلات و ساز و کارهای لازم برای شهروندان تا آن‌ها از حقوق شهروندی شان بهره مند شوند و ضمناً بتوانند به نحوی مناسب وظایف و تکالیف شهروندی شان را در قبال جامعه محلی و شهری که در آن زندگی می کنند انجام دهند. تحقق عدالت اجتماعی در سطح محلی و شهری از وظایف مدیریت شهری است. روابط مناسب شهروندی و مدیریت شهری باعث بسط توانایی های شهروندان، تقویت حس تعلق اجتماعی شهروندان به شهر، تقویت حس اعتماد اجتماعی شهروندان به نظام مدیریت شهری و نیز حل مشکلات شهری از طریق مشارکت شهروندان و مدیریت شهری می شود. (نظریان، شوهانی، ۱۳۹۰)

مدیریت شهری یک فرآیند است که در مجموع به یک نظام تصمیم‌گیری منجر خواهد شد، میزان موفقیت و یا عدم موفقیت مدیریت شهری بستگی به قدرت، مشروعیت و ساختار حقوقی، اجتماعی و اقتصادی جامعه دارد. نوع مدل مدیریت شهری در دوره های مختلف تاریخی و در مناطق مختلف، بازتابنده نگرش و میزان مشارکت عمومی (رویکرد جمع گرایانه) و قدرت اجرایی مدیریتی است. یکی از گفتمان های مهم در تعیین مدل مدیریتی برتر، تعیین چگونگی اداره شهر و فرارگیری قدرت در دست مدیران شهری است. از سوی دیگر، مدل اداره شهر رابطه نزدیکی با حل یا ایجاد مسائل شهری دارد. (سالاری سردری، کیانی، ۱۳۹۶)

سه شاخص برای ساختار مدیریت شهری به شرح ذیل در نظر گرفته شده است:

الف- رعایت حقوق شهروندی

ب- میزان مشارکت شهروندان: مشارکت شهروندی عبارت است از فراهم ساختن فرصت هایی برای شهروندان برای شرکت کردن در تصمیمات دولتی یا فرایندهای برنامه‌ریزی، محققان برای تعریف مشارکت، به بیان سه تفسیر در خصوص مشارکت می پردازند که عبارتند از: مشارکت به‌عنوان سهم داشتن، مشارکت به‌عنوان سازماندهی و مشارکت به‌عنوان توانمندی. همچنین از مشارکت اجتماعی سه تفسیر ارائه داده اند: ۱- شرکت داوطلبانه مردم در برنامه‌های عمومی، ۲- برانگیختن احساسات مردم و افزایش درک و توان شهروندان و ۳- دخالت در فرایندهای تصمیم‌گیری، اجرا و سهیم شدن عامه مردم در منافع. تفاسیر مطرح شده از لحاظ اهمیت دادن به مردم و حقوق آنان، می توان در سه سطح، (مشارکت پایین) تفسیر اول، (مشارکت متوسط) تفسیر دوم و (مشارکت بالا) تفسیر سوم بیان نمود. (زارعی، تقی پور، ۱۳۹۶)

ج- ارائه خدمات شهری: وظایف در این حوزه به سه گروه تقسیم می‌شوند: ۱- فنی و عمرانی: توجه به مبلمان شهری و تلاش در جهت زیباسازی محیط، نظارت بر ساخت و ساز و رعایت نکات ایمنی و فنی، رعایت نکات مربوط به پدافند غیرعامل شهری، توسعه بهینه و مطلوب فضاهای شهری، ایجاد خیابان ها و آسفالت کردن سواره روها و کوچه های عمومی ۲- اجتماعی و فرهنگی: تأمین فضاهای ورزشی و تفریحی، برگزاری دوره های آموزشی (دوره ای که منجر به اخذ مدرک شهروندی و بالا بردن سطح معلومات فرهنگی و اجتماعی می شود)، مشارکت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری، تأسیس فرهنگی و غنی سازی اوقات فراغت، رسیدگی به شکایات واصله و پاسخ جامع به آن ها. ۳- وظایف خدماتی: مدیریت ترافیک شهری (خط کشی، پل عابر پیاده و ...)، جلوگیری از سد معبر و مشاغل مزاحم، مبلمان شهری (سایبان کیوسک‌ها، نقاشی مناظر، سازوکاری که باعث آسایش، ایمنی و سرگرمی و ... شود)، تأمین روشنایی معابر در ساعات شب، کنترل بهداشت عمومی و پاکیزگی محیط زیست منطقه، جمع آوری زباله و ...، احداث، توسعه و نگهداری فضای سبز (رستمی و همکاران، ۱۳۹۴).

۴-۵- توسعه پایدار

توسعه پایدار، یعنی تأمین نیاز های نسل حاضر بدون به مخاطره انداختن امکانات نسل های آینده برای تأمین نیاز های خودشان و ناظر بر این ایده است که به طور همزمان با توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، به ویژه به‌منظور تأمین منافع بی بضاعت ترین افراد جامعه، توأم شود. ایده توسعه پایدار در برداشتی منسجم از محیط زیست و توسعه نمود می یابد. توسعه پایدار را میتوان به بازساخت بلندمدت سیستمی برای احیا و ساخت مجدد آن سیستم تعبیر کرد. (درستی و همکاران، ۱۳۹۷)

مفهوم توسعه در برابر رشد قرار می‌گیرد، توسعه یک مفهوم کیفی را مشخص می‌کند و می‌توان آن را معادل با افزایش کیفیت زندگی دانست که مسائلی مانند بهداشت، آموزش، رفاه و غیره را در بر دارد. (زاده دلیر، ۱۳۸۵) توسعه گذر از مرحله ای به مرحله دیگر است و در بطن مفهوم آن ۳ واژه کلیدی تحول، تغییر و پیشرفت، جای می‌گیرد. تحول، فرایند تغییر در یک دوره طولانی مدت، تغییر، فرایند قابل اندازه گیری در دوره کوتاه مدت و پیشرفت، روندی پویای حرکت و تغییر روبه جلو در گذر زمان است. (تقی زاده، ۱۳۸۷) توسعه پایدار توسعه ای است که نیازهای زمان حال را تأمین می‌کند بدون آنکه توانایی نسل های آتی در پاسخگویی به نیازهایشان را به خطر بیندازد. (ذاکر حقیقی، ۱۳۸۴) اصطلاح توسعه پایدار یا توسعه پایدار اولین بار توسط باربارا وارد^۱ در اعلامیه کوکویاک^۲ درباره محیط زیست و توسعه بکار رفت. به دنبال آن پس از گزارش های باشگاه رم و بنیاد هامرشولد^۳ به تدریج توسعه پایدار در طی سال های دهه ۱۹۸۰ میلادی و از زمانی که اتحادیه بین المللی برای حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی راهبردهای جهانی از محیط زیست و منابع طبیعی با هدف کلی دستیابی به توسعه پایدار را از طریق حفاظت از منابع حیاتی (زنده) را ارائه کرد، مورد توجه جدی و اساسی اندیشمندان و متفکران توسعه قرار گرفت. (زاهدی و نجفی، ۱۳۸۵)

۴-۶- توسعه شهری پایدار

توسعه شهری به‌عنوان یک مفهوم فضایی را می‌توان به معنی تغییرات در کاربری زمین و سطوح تراکم جهت رفع نیازهای ساکنان شهری در زمینه مسکن حمل و نقل، اوقات فراغت و غذا و غیره تعریف کرد یا توسعه ای است که تمام جنبه های اجتماعی، اقتصادی و ... را در شهر با هم پیش می‌برد و توسعه پایدار شهری نگهداری منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد کردن کمترین ضایعات به منابع تجدید پذیر مطرح است. توسعه پایدار شهری موضوع های جلوگیری از آلودگی های محیط شهری و ناحیه ای، کاهش ظرفیت های تولید محیط محلی ناحیه ای و ملی، حمایت بازیافت، عدم حمایت از توسعه های زیان آور و از بین بردن شکاف - میان فقیر و غنی را مطرح می‌کند. همچنین راه رسیدن به این اهداف را با برنامه ریزی شهری و روستایی، ناحیه ای، ملی و حمایت همه جانبه دولت از این برنامه ریزی ها می‌داند. (پزشکی، شریعت پناهی، ۱۳۹۸)

توسعه پایدار و توسعه پایدار شهری طی دهه های اخیر به تدریج به پارادایم نوین و مسلطی در ادبیات نظری و علمی رایج در باب توسعه و برنامه ریزی شهری تبدیل شده است. این پارادایم اگرچه ناظر به برداشت ها و تفسیرهای گوناگون می‌باشد، اما در مجموع بر پایداری و استمرار توسعه برای همگان و نسل های آینده طی زمان و بر همه جانبه نگری ابعاد پیچیده اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی فرآیند توسعه در سطح یک کشور یا شهر تاکید دارد. (فیروزبخت، ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۱)

نظریه توسعه پایدار شهری حاصل بحث های طرفداران محیط زیست درباره مسائل زیست محیطی به خصوص زیست شهری است که به دنبال نظریه توسعه پایدار برای حمایت از منابع محیطی ارائه شد. در این نظریه موضوع نگهداری منابع برای حال و آینده از طریق استفاده بهینه از زمین و وارد کردن کمترین ضایعات به منابع تجدید ناپذیر مطرح است. نظریه توسعه پایدار شهری موضوع های جلوگیری از آلودگی های محیط شهری و ناحیه ای، کاهش ظرفیت های تولید محیط محلی نواحی و ملی حمایت از بازیافت ها عدم حمایت از توسعه های زیان آور و از بین بردن شکاف میان فقیر و غنی را مطرح می‌کند. این نظریه به مثابه دیدگاهی راهبردی به نقش دولت در این برنامه ریزی ها اهمیت بسیاری می‌دهد و معتقد است دولت ها باید از محیط زیست شهری حمایت همه جانبه ای کنند. این نظریه پایداری شکل شهر، الگوی پایدار سکونتگاه ها، الگوی مؤثر حمل و نقل در زمینه مصرف سوخت و نیز شهر را در سلسله مراتب ناحیه شهری بررسی می‌کند زیرا ایجاد شهر را فقط برای لذت شهرنشینان می‌داند.

اغلب دو مفهوم و اصطلاح شهر پایدار و توسعه پایدار شهری به دلیل نزدیکی معنایی و اصطلاحی، به جای یکدیگر بکار می‌روند (نوابخش و ارجمند سیاه پوش، ۱۳۸۸). برای تمایز این دو اصطلاح باید توجه داشت که کلمه توسعه در عبارت توسعه پایدار در واقع نشانگر فرآیندی است که طی آن پایداری می‌تواند روی دهد اما پایداری مجموعه ای از وضعیت ها است که در طول زمان دوام می‌یابد. بر این اساس توسعه پایدار شهری وضعیتی ثابت و هماهنگ به شمار نمی‌آید بلکه فرآیندی متحول است که در غالب آن استفاده از منابع، تأمین نیازهای اساسی، بهبود و ارتقاء سطح زندگی برای همه، حفظ و اداره بهتر اکوسیستم ها و ایجاد آینده ای امن و سعادتمند تر، با نیازهای کنونی و آتی انسان سازگاری پیدا می‌کند. بنابراین می‌توان گفت که چنین توسعه ای مفهومی جامع دارد و تمام جنبه های زندگی انسان مرتبط می‌باشد (پرهیزکار، فیروزبخت، ۱۳۹۰).

توسعه پایدار شهری، توسعه ای است که از نظر زیست محیطی قابل سکونت و زندگی، از نظر اقتصادی قابل دوام و از نظر اجتماعی، دارای برابری و توجه به خواست و نظر مردم باشد؛ به عبارت دیگر توسعه پایدار شهری به حفظ تعادل های زیست محیطی محدود نمی‌شود. لازمه آن پایداری اجتماعی، اقتصادی، مدیریتی و عدالت اجتماعی است. مدیریت شهری در صورتی

1 - Barbara Mary Ward
2 - Cocoyoc
3 - Hammershold

پایدار خواهد بود که موارد زیر که از نظر کمیسیون جهانی محیط زیست به عنوان الزامات توسعه پایدار قلمداد شده است را مورد توجه قرار دهد.

الف- الزامات توسعه پایدار شهری

- ۱- مشارکت شهروندان در تصمیم گیری در بستر یک نظام سیاسی
- ۲- چاره اندیشی برای تنشهای حاصل از ناموزونی توسعه در بستر یک نظام اقتصادی
- ۳- التزام به ترمیم و حفاظت محیط زیست در بستر یک نظام تولیدی
- ۴- وجود انعطاف پذیری و خود اصلاحی در بستر یک نظام مدیریتی. (نظریان، شوهانی، ۱۳۹۰)

۴-۷- شاخص های توسعه پایدار شهری

- ۱- شهر شهروند مدار
- ۲- مدیریت شهری پاسخگو و هماهنگ
- ۳- مشارکت مردم

در شهر شهروند مدار به عنوان یک فرآیند مشارکتی برای بهبود امور شهری می بایست همه بهره‌وران شامل دولت (مدیریت شهری بخصوص شهرداری‌ها)، بخش خصوصی و نهادهای غیردولتی، مردم و شهروندان به سهم خود برای بهبود شهر قدم‌های مؤثری بردارند؛ بنابراین لازمه رفع ناپایداری در شهرها، رفع ناپایداری از بدنه نهادهای مدیریتی و برنامه‌ریزی شهری و کارآمدسازی بیشتر در اداره امور شهر و تفویض وظایف و قدرت به محلات و مردم، حاکمیت قانون، عدالت فضایی در امکانات پاسخگویی، شفافیت، افزایش ظرفیت بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی می باشد همچنین شهروندان می بایست در این شهر بر امور مدیران شهری نظارت داشته باشند حسن همکاری با شهرداری و مسئولین شهری از شرایط لازم جهت تحقق آن می باشد با این اوصاف منظور از شهر شهروند مدار شهری است که توجه به خواست و نظر مردم یکی از اصلی ترین ویژگی های آن محسوب می گردد مشخصه های شهر شهروند مدار به شرح ذیل است:

۱. شهری که در آن مدیریت شهری ضمن شفافیت و پاسخگویی در عملکرد خویش تمام تلاش و مساعی خود را در جهت تحقق عدالت اجتماعی و توجه به خواست و نظر مردم به انجام برساند.
۲. شهری که شهروندان آن ضمن مشارکت و مسئولیت پذیری در کلیه امور شهر نسبت به مدیریت شهری اعتماد داشته و به شهر خود تعلق مکانی داشته باشند.
۳. شهری که دسترسی به امکانات و خدمات شهری برای استفاده شهروندان مناسب بوده و شهروندان بدون دغدغه و در کمال آسایش به امکانات مورد نیاز خود دسترسی داشته باشند. (نظریان، شوهانی، ۱۳۹۰)

۵- نتیجه گیری

شهرها به عنوان ارگانیزم زنده و سیستمی پویا در فرآیند توسعه جوامع بشری، در فرآیند رشد خود، تغییرات عمده ای را متحمل شده اند، به طوری که توسعه و تغییرات شهری و شهرنشینی از مهم ترین پدیده های دوران اخیر به شمار می آیند؛ اما این شهرنشینی همیشه همراه با توسعه نبوده است و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و فیزیکی فراوانی را پدید آورده است. توسعه در شهرها، به یکی از چالش های اساسی مدیریت شهری تبدیل شده است. در عصر حاضر با توجه به توسعه کمی و کیفی شهرها، یکی از نهادهای بسیار مهمی که نقش بسزایی در اداره و خدمات رسانی شهرها داشته و هر روز نقش آن‌ها در اداره و مدیریت شهری و تأمین نیازهای توسعه شهری پررنگ تر می شود، شهرداری‌ها هستند. بدین ترتیب، شهرداری‌ها راهکارها و سیاست های متفاوتی را اتخاذ نموده اند.

شهر به عنوان یک منبع توسعه مطرح است و جایگاه مدیریت شهری در روند توسعه شهر و بهبود سکونتگاه های شهری نقش بسیار مهم و تعیین کننده دارد. از دیدگاه دیگر، می توان مدیریت شهری را در مسیر یک توسعه قانونمند و پایدار مورد توجه قرار داد. این مورد، بیشتر از این جهت اهمیت دارد که نحوه مدیریت بر جریان مطلوب زندگی شهری، می تواند در بهبود و پایداری توسعه شهری، مهمترین نقش را ایفا کند. (شبعه، ۱۳۸۲)

مدیریت شهری به عنوان یک نهاد محلی، مسوول نظارت، برنامه ریزی و مدیریت توسعه پایدار شهرها است. در این ارتباط موضوعی که مدیریت می شود فضا و مجموعه ای از فعالیت هایی است که در آن اتفاق می افتد. ایفای این نقش، مستلزم سطح متناسبی از تمرکززدایی سیاسی مدیریتی و اختیارات کافی برای - سیاست گذاری، تصمیم گیری، برنامه ریزی و اجرا است. مدیریت

مهمترین عامل در حیات، رشد و بالندگی یا مرگ یک جامعه است و روند حرکت از وضع موجود به سوی وضع مطلوب را کنترل میکند و هدف آن سیاست گذاری و اجرای آن است (افتخاری و دیگران، ۱۳۸۶)

مدیریت شهری به‌عنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر به سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و اقداماتی مربوط می‌شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با میزان دسترسی به زیرساخت‌های اساسی زندگی شهری خصوصاً مسکن و اشتغال می‌باشد. در چارچوب این تعریف کارایی مدیریت شهری وابستگی مشخص و مستقیمی به عوامل زمینه‌ای از قبیل ثبات سیاسی، وحدت و یکپارچگی اجتماعی، رونق اقتصادی و انسجام و پویایی فرهنگی و برخی عوامل دیگر نظیر توان و مهارت، انگیزه و دانش سیاستگذاران، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان و نیز افراد استفاده‌کننده از این سیاست‌ها و برنامه‌ها دارد. براین اساس ویژگی‌های سازمانی مدیریت شهری و نیز نقش اجرایی بخش آن، تأثیر بسزایی در موفقیت و یا عدم موفقیت آن ایفا می‌نماید. هدف کلان مدیریت شهری ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه شهروندان همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و پایداری زیست محیطی می‌باشد. بر این اساس در شرایط فعلی مدیریت پایدار شهری یا مدیریت شهری پایدار مطرح و مورد تأکید می‌باشد. مدیریت شهری پایدار به تمامی عرصه‌های فعالیت شهری و نیز به تمامی شهروندان و حضور آنان در مدیریت شهری اشاره دارد. به عبارت دیگر شهری پایدار زمانی شکل می‌گیرد و کارآمدی خود را نشان می‌دهد که مشارکت و مداخله مردم را بصورت حقیقی و حقوقی به رسمیت بشناسد. (پرهیزکار، فیروزبخت، ۱۳۹۰)

با عنایت به آنچه ذکر گردید؛ مدیریت شهری می‌تواند با اتخاذ رویکردهای اجرایی مناسب در راستای ایجاد و توسعه شهری پایدار متناسب با مأموریت‌ها و کارکردهای محوله به آن، از قبیل برقراری عدالت فضایی، رعایت حقوق شهروندی، پاسخگویی و ارائه خدمات مناسب و غیره، زمینه‌های نیل شهر به سمت شهری شهروند مدار که مبتنی بر مشارکت شهروندی در اداره امور شهر می‌باشد و ایجاد شرایط و الزامات توسعه پایدار شهری، در افزایش و ارتقاء شاخص‌های اساسی و اصلی این هدف نقش و تأثیر مستقیم و جدی داشته باشد.

منابع

۱. زاهدی فر، محمدحسین، (۱۳۷۳)، تحلیل نظام تصمیم‌گیری در شهر تهران، بررسی امکان پذیری تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشگاه شهیدبهشتی، ۱۳۷۳
۲. تقوایی، مسعود، صفرآبادی، اعظم، (۱۳۹۰)، نقش مدیریت شهری در دستیابی به توسعه پایدار گردشگری شهری مطالعه موردی: شهر کرمانشاه، مجله مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال اول، شماره ۴، ص ۳۶
۳. شارع پور، محمود، (۱۳۹۱)، جامعه‌شناسی شهری. چاپ پنجم. تهران: انتشارات سمت.
۴. حبیبی، داود، کسالایی، افسانه، افتخاری یوسف آباد، سید جمشید، محمدی، سیده‌دایت، (۱۳۹۷)، بازخوانی شاخص‌های اثرگذار در رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری و مدیریت شهری
۵. نظریان، اصغر، شوهانی، نادر، (۱۳۹۰)، توانمند سازی نظام مدیریت شهری بر اساس الگوی شهر شهروند مدار در ایلام، چشم انداز جغرافیایی (مطالعات انسانی)، سال ششم، شماره ۱۶، ص: ۱۳۴-۱۵۱
۶. محمدی، زهرا، (۱۳۹۸)، مطالعه رابطه سرمایه فرهنگی و فرهنگ شهروندی با شهروندی فرهنگی (مورد مطالعه: شهر کرج)، مجله مدیریت فرهنگی، سال دوازدهم، شماره ۴۳، ص: ۳-۴۴
۷. موسایی، میثم، شیانی، ملیحه، (۱۳۹۰)، مشارکت در امور شهری و الزامات آن در شهر تهران، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸، ص: ۲۴۵-۲۶۸
۸. لطفی، حیدر، عدالتخواه، فرداد، میرزایی، مینو، وزیرپور، شب‌بو (۱۳۸۸)، مدیریت شهری و جایگاه آن در ارتقاء حقوق شهروندان، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیای انسانی - سال دوم، شماره اول، ص: ۱۰۲-۱۱۰
۹. خواجه نوری، نسترن، (۱۳۹۲)، جامعه چند فرهنگی: حقوق شهروندی و رفتار رسانه‌ای، مطالعات رسانه‌ای، سال هشتم/ شماره بیست و یکم، ص: ۳۴-۴۴
۱۰. جعفری، عطیه، (۱۳۹۵)، نقش حقوق شهروندی و مشارکت شهروندان در راستای ارتقاء مدیریت شهری، ماهنامه شبک(شبکه اطلاعات کنفرانس‌های کشور)، سال سوم، شماره ۱۰ (پیاپی: ۱۷)، جلد ۱، مطالعات هنر و علوم انسانی ص: ۱-۹
۱۱. زارعی، غفار، تقی پور، سروگل، (۱۳۹۶)، بررسی نقش ساختار مدیریت شهری در توسعه فرهنگ سیاسی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۶، ص: ۲۱۷-۲۲۸
۱۲. یوسفی، علی؛ فرهودی زاده، ماریتا؛ لشکری دربندی، مرضیه (۱۳۹۱)، فشار هنجار تعهد اجتماعی در ایران، جامعه‌شناسی کاربردی، سال دوم، شماره ۲۳ (شماره پیاپی ۴۶)، صص: ۱۷۹-۱۹۲

۱۳. سالاری سردری، فرضعلی، کیانی، اکبر، (۱۳۹۶)، تحلیل الگوی مدیریت شهری ایران (ساختار، عملکرد و راهبرد)، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، سال نهم/ شماره سی و دوم، ص: ۳۶-۵۰
۱۴. رستمی، محمدحسن؛ امان پور، سعید؛ کرمی، مهران؛ مراد رام نژاد، سید یدالله (۱۳۹۴)، سنجش رضایتمندی شهروندان از عملکرد شهرداری در حوزه خدمات شهری (مطالعه موردی شهر دورود)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ششم، شماره ۲۱، صص ۳۵-۵۰
۱۵. درستی، امیرعلی، ادیبی سده، مهدی، ادهمی، عبدالرضا، (۱۳۹۷)، تحلیل فرهنگی اجتماعی نقش سرمایه اجتماعی بر توسعه پایدار شهری در استان اصفهان، فصلنامه توسعه اجتماعی (توسعه انسانی سابق)، دوره ۱۲، شماره ۴، ۱۶۷-۱۸۶
۱۶. حسین زاده دلیر، کریم، ۱۳۸۵، برنامه ریزی ناحیه ای، چاپ پنجم، انتشارات سمت
۱۷. تقی زاده، فاطمه، ۱۳۸۷، دانش نامه مدیریت شهری و روستایی، انتشارات سازمان شهرداری ها، تهران
۱۸. ویلر، اس. ام و تی. بیتلی، (۱۳۸۴): نوشتارهایی درباره توسعه پایدار، ترجمه کیانوش ذاکر حقیقی، چاپ اول، مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری، تهران
۱۹. زاهدی شمس السادات، نجفی غلامعلی، (۱۳۸۵)، بسط مفهومی توسعه پایدار. پژوهش های مدیریت در ایران، ص: ۴۳-۷۶
۲۰. زیاری، کرامت ا... (۱۳۸۲) برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، چاپ اول، دانشگاه یزد
۲۱. پزشکی، مهدی، شریعت پناهی، مجید ولی، (۱۳۹۸)، بررسی و تحلیل رابطه مدیریت شهری و توسعه پایدار در بافت های تاریخی: مطالعه موردی بافت تاریخی شیراز با تأکید بر ارائه مدلی کاربردی و همساز با فرهنگ و شرایط محیطی، فصلنامه علمی پژوهشی - جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه ای) (سال نهم، شماره ۲، ص: ۴۷۵-۵۰۲)
۲۲. فیروزبخت، علی، ابراهیمی، رضا، ربیعی فر، ولی الله، حیدری، تقی، (۱۳۹۱)، ارزیابی ساختار اجتماعی- فرهنگی شهر با رویکرد توسعه پایدار شهری (مطالعه موردی: شهر کرج)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال سوم، شماره نهم، صص ۵۷-۷۸
۲۳. نوابخش، مهرداد، ارجمند سیاه پوش، اسحق، (۱۳۸۸)، مبانی توسعه پایدار شهری، انتشارات جامعه شناسان، تهران
۲۴. پرهیزکار، اکبر، فیروزبخت، علی، (۱۳۹۰)، چشم انداز مدیریت شهری در ایران با تأکید بر توسعه پایدار شهری، فصلنامه جغرافیایی سرزمین، علمی-پژوهشی، سال هشتم، شماره ۳۲، ص: ۴۳-۶۵
۲۵. شیعه، اسماعیل، (۱۳۸۲)، لزوم تحول مدیریت شهری در ایران، مجله جغرافیا و توسعه، شماره ۱، ۳۷-۶۲
۲۶. افتخاری، رکن الدین، عبدالرضا، حمدالله، سجادی قیداری، جمشید، عینالی، (۱۳۸۶)، نگرشی نو به مدیریت روستایی با تأکید بر نهادهای تأثیر گذار، فصلنامه روستا و توسعه، سال ۱۰، شماره ۲

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

